

## An Analysis of the FATA Police Structure in the Light of the Theory of the Left Realist Criminology

\*Fatemeh Ahadi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

Fatemeh.ahadi1394@gmail.com

Mehrdad Teymouri

PhD. Student in Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2022.692008

### Keywords:

Cyberspace,  
FATA Police,  
Left Realist,  
Crime  
Prevention,  
Square of  
Crime

### Abstract

The theory of left realist criminology proposes the square of crime to prevent crimes, and discusses the square design of crime accentuating the point that all four aspects of victim, offender, state agencies (e.g., the police), and the public must be considered in order to deal with crime in a comprehensive way. Therefore, due to the occurrence of crimes in cyberspace, which is within the jurisdiction of the FATA police, the present research has been carried out. The present study uses library documents and resources and descriptive and analytical methods to analyze the structure of FATA police in the light of the teachings of the theory of left realist criminology. The findings and results of this study indicate that the FATA police, as a state agency with a proper executive and law enforcement function as well as supportive structure and using the theory of left realist criminology, has the ability to have a significant preventive share of crime. Also, according to the left realist criminology, the influence of subculture in cyberspace and the creation of class distance through cyberspace, which increases the sense of deprivation in society, play a role in committing crimes. Therefore, considering the pivotal role of the police in the approach of the theory of the left realist criminology in prevention of crime, it is necessary to eliminate the identified deficiencies and detriments in order to prevent crime in cyberspace.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## واکاوی ساختار پلیس فتا در رویکرد نظریه جرم شناسی رئالیسم چپ‌گرا

فاطمه احدی\*

استادیار، گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

Fatemeh.ahadi1394@gmail.com

مهرداد تیموری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۰ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۲۱ اسفند ۱۴۰۰

### چکیده

نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا برای پیشگیری از جرایم شیوه مربع جرم را مطرح می‌کند و در مورد طرح مربع جرم استدلال می‌کند که برای برخورد با جرم به شیوه‌های فراگیر باید هر چهار جنبه پلیس، مردم، بزه دیده و بزه‌کار در نظر گرفته شوند. لذا با توجه به وقوع جرایم در فضای مجازی که در حیطه اعمال صلاحیت پلیس فتا می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیلی به واکاوی ساختار پلیس فتا در رویکرد آموزه‌های نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا می‌پردازد. یافته‌ها و نتایج این پژوهش حاکی از این است که پلیس فتا به‌عنوان مجموعه‌ای که با عملکرد ضابطی و ساختار مناسب حمایتی و با بهره‌گیری از نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا این توانایی را دارد که سهم پیشگیرانه قابل توجهی از جرم را داشته باشد. هم‌چنین، مطابق نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا تأثیر خرده فرهنگ‌ها در فضای مجازی و ایجاد فاصله طبقاتی از طریق فضای مجازی که باعث افزایش حس محرومیت در جامعه می‌گردد در ارتکاب جرایم نقش دارد. لذا با توجه به نقش رکنی پلیس در رویکرد نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا در پیشگیری از جرم، لازم است برای پیشگیری از جرم در فضای مجازی، آسیب‌های احصا شده رفع گردد.

کلید واژگان: فضای مجازی، پلیس فتا، رئالیسم چپ‌گرا، پیشگیری از جرم، مربع جرم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جرم‌شناسی می‌تواند با درمان مناسب جرم را از بدن جامعه خارج کند، جرم محصول ناهنجاری نیست بلکه عملکرد طبیعی نظم اجتماعی است و واقع‌بینانه است که تلاش کند به واقعیت جرم وفادار باشد. این شامل چندین وظیفه است؛ ارزیابی واقع‌بینانه از مساله جرم، تجزیه ساختار جرم به مؤلفه‌های اساسی آن (مرعب جرم)، بررسی دقیق ماهیت علیت، واقع‌بین بودن در مورد احتمالات مداخله و مهم‌تر از همه، درک کامل حوزه‌های اجتماعی در حال تغییر که در آن اکنون زندگی می‌کنیم. فضای سیاسی خاص که رئالیسم چپ‌گرا<sup>۱</sup> در آن ظهور کرده بود، در اواسط دهه ۱۹۸۰ بود. این اعتراض ظهور دولت‌های محافظه‌کارانه «نئولیبرال» در بسیاری از کشورهای غربی بود که یک رویکرد به‌شدت مجازات‌محور در کنترل جرم و مخالفت لیبرال، سوسیال دمکراتیک را در پیش گرفت. آن‌ها فعالانه به افزایش میزان جرم و جنایت اشاره کردند و از جانب اکثریت ساکت به شدت اقدام به اجرای قانون کردند. موضع جدید چپ که منشأ آن در آزادی‌خواهی دهه ۱۹۶۰ بود، تمایل داشت که شبیه به یک تصویر آینه از سمت راست باشد؛ یعنی آن را نادیده گرفته یا سطح جرم را پایین آورده، متخلف را به عنوان قربانی نظام به تصویر کشیده و بر چند فرهنگی بودن تنوع و مبارزه تأکید کرده که رادیکالیسم به دفاع از جامعه در برابر هجوم دولت، به‌ویژه پلیس و عدالت کیفری می‌انجامد (Gitlin, 1996: 27). بنابراین تصادفی نبود که اولین اثر در یک رگ رئالیستی تقریباً در همان زمان ظاهر شود، به‌ویژه آنچه ضروری است بین پلیس و سیستم عدالت کیفری جرم‌شناسی است که می‌تواند بین این دو حرکت کند.

چنان‌که به حداقل رساندن اثر جرم با ایده آل کردن واقعیت همراه است، یعنی انکار سطح آسیب‌شناسی و اختلال عملکردی که بین گروه‌های مظلوم رخ می‌دهد. در حالی که شرایط مادی مانند فقر باعث ایجاد مشکلات عظیمی در سطح خانواده و جامعه می‌شود و در واقع جنایات را به عنوان شاخصه‌ای از این امر عنوان می‌کنند، آرمان‌گرایان چپ به طرز سخت‌گیری ادعاهایی نظیر قومی و حتی نژادپرست از نظر ماهیت خود دارند. مشخصه آرمان‌گرایی چپ تأکید زیادی بر عدالت کیفری به عنوان یک عامل خودمختار مطرح می‌شود که باعث شکل‌گیری و ایجاد مشکلات می‌شود. جرم و جنایت به‌خودی‌خود تمام می‌شود، به حاشیه رانده می‌شود و مورد توجه قرار نمی‌گیرد. آسیب‌شناسی و اختلال عملکرد در گروه‌های مظلوم به حداقل رسیده یا انکار می‌شود. علل ارتکاب جرم یا بدیهی است (مثلاً فقر) یا محصول مداخله سیستم عدالت کیفری (به عنوان مثال جنگ با مواد مخدر) یا از نظر رادیکال‌تر، یک وجه مهم به حساب می‌آید زیرا در تعارف حقوق جزا جنایات خود واقعی‌تری غیر از خود خواسته ندارند (Hulsman, 1986: 66). رئالیسم چپ‌گرا نه تنها یک چشم‌انداز اساسی در مورد مشکلات جرم و عدالت، بلکه بهترین امید برای فراهم کردن زمینه‌های فکری یک رویکرد مترقی جرم‌شناسی در سراسر جهان را فراهم می‌کند (Currie, 2010: 112). در حالی که گفتمان رئالیسم چپ از سیاست خاص پلیس در انگلستان و ولز بیرون می‌آمد، اهمیت نسبی آن برای جرم‌شناسی مترقی به‌طور کلی موضوع بحث‌های زیادی بوده است. طرفداران رئالیسم چپ به‌طور مداوم استدلال می‌کنند که بررسی جرم محلی مبنای تجربی برای فهم الگوهای جرم و توسعه سیاست کنترل جرایم مترقی است (MacLean, 1991: 213). از همین رو، پژوهش حاضر ضمن شناخت آموزه‌های جرم‌شناختی رئالیسم چپ‌گرا و بررسی عملکرد پلیس فتا<sup>۲</sup> در رویکرد آموزه‌های جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا درصدد پاسخ به این سؤال است که پلیس فتا در رویکرد نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا چه ساختاری دارد؟

### ۱. پیشینه تحقیق

نقوی و زارعی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «اثربخشی اقدامات پلیس فتا در مقابله با مزاحمت‌های سایبری در بازه زمانی ۵ ساله با رویکرد فنی و اجتماعی (مورد مطالعه استان همدان)» به این نتیجه رسیده‌اند که امروزه فضای مجازی و جرایم ناشی از آن به معضل مهم جوامع بشری تبدیل شده مزاحمان سایبری برای کاهش ریسک اعمال مجرمانه خود، بسترهای فضای مجازی را به فضای حقیقی و سنتی ترجیح می‌دهند. امیریان فارسانی، مالمیر و حیدری (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش پلیس فتا در پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم سایبری» به این نتیجه رسیده‌اند که در گذر زمان با افزایش شناخت آگاهی و دانش انسان و پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و

<sup>۱</sup>. Left realism

<sup>۲</sup>. پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات

ارتباطات همان‌گونه که شیوه و نحوه‌ی زندگی افراد دگرگون گردیده است به همان صورت نوع ارتکاب جرایم توسط مجرمان به خصوص نسل جوان دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است. یوسفی و افتخاری (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش پلیس فنا در پیشگیری از جرایم فضای مجازی» به این نکته اشاره داشته‌اند که با پیشرفت و توسعه‌ی روزافزون زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورها، وابستگی و افزایش کاربران و استفاده‌کنندگان از اینترنت و سایر فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی، مخابراتی، نظیر خطوط تلفن‌های ثابت و همراه، شبکه‌های دیتای کشوری و محلی و ارتباطات ماهواره‌ای، از جمله دلایلی است که از سالیان پیش، لزوم ایجاد و توسعه‌ی سازوکار برای تأمین امنیت در فضای تولید و تبادل اطلاعات نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران احساس شده است. استفانوسکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جرم‌شناسی رئالیسم چپ: مبانی و دیدگاه‌ها»<sup>۲</sup> به این نتیجه رسیده است که رئالیست‌های چپ را ایده آلیسم چپ، یعنی آن‌ها را واقع‌گرا می‌نامند؛ زیرا از نظر آن‌ها جرم را باید در واقعیت خود در نظر گرفت و عللی را که منجر به رفتار مجرمانه شده است باید جدی گرفت، به این معنی که رئالیست‌های چپ بر واقعیت‌های از قبل تجربه شده تمرکز می‌کنند. از این رو، مسائل مورد توجه واقع‌گرایان چپ، مشکلاتی است که گروه‌های خاصی از نظر سن، طبقه، جنس، نژاد و محل زندگی با آن مواجه هستند. آن‌ها شباهت‌هایی با نظریه‌های خرده‌فرهنگی ساختاری دارند و استدلال می‌کنند که جرم نوعی سازگاری خرده‌فرهنگی با مشکلات و واقعیت‌های زندگی شده است. دی‌کیزردی<sup>۳</sup> و شوارتز<sup>۴</sup> (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان «رئالیسم چپ، یک نگاه جدید»<sup>۵</sup> به این نتیجه رسیده‌اند رئالیسم چپ که در دهه ۱۹۸۰ در بریتانیا به عنوان واکنشی به چپ‌هایی که احساس می‌کردند صحبت در مورد جنایات خیابانی فقط یک ترس رسانه‌ای نژادپرستانه است آغاز شد. این تلاشی بود برای پس گرفتن موضوع جنایت از محافظه‌کاران با تحلیل‌های سوسیالیستی مترقی و راه حل‌های کوتاه مدت. رئالیست‌های چپ احساس می‌کردند که اعضای طبقه پایین یا طبقه کارگر نه تنها هدف اصلی قربانی شدن جنایتکاران خیابانی هستند، بلکه از بالا مورد حمله یقه سفیدها، جنایات شرکتی و دولتی قرار می‌گیرند. رئالیست‌های چپ به جای رد خودکار تمام تحلیل‌های جریان اصلی، عناصری از نظریه فشار و نظریه‌های خرده‌فرهنگی را پذیرفته‌اند تا این نکته را بیان کنند که فقر مطلق عامل جرم نیست. بلکه محرومیت نسبی که منجر به نارضایتی از نظم اجتماعی می‌شود عامل جرم‌زا است. مدفیس<sup>۶</sup> و کوهن<sup>۷</sup> (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «جرم‌شناسی انتقادی حال و آینده: رئالیسم چپ، ایدئالیسم چپ و آنچه در این میان باقی مانده است»<sup>۸</sup> به نتیجه رسیده‌اند که سیاست‌ها و رویه‌های رئالیسم چپ و اهداف و دیدگاه‌های ایده‌آلیستی چپ ممکن است مکمل یکدیگر باشند و یکدیگر را بسازند. مراحل مقدماتی و نمونه‌هایی از رویکردهای موجود که ممکن است به نشان دادن پتانسیل یک دیالکتیک رئالیستی/ایده‌الیستی که جرم‌شناسی‌های حال و آینده را ادغام و ترکیب می‌کند، کمک کند. پتانسیل دیالکتیک رئالیستی/ایدئالیستی و تنش‌های بین این رویکردها را از طریق تحلیل دو موضوع معاصر و مدل‌های جایگزین عدالت ترمیمی را بررسی کنیم. بر اساس نتایج تحقیقات انجام‌یافته، که عمدتاً به شناخت پلیس فتا و حوزه کارکرد به‌صورت کلی پرداخته‌اند. از این رو، مقاله حاضر که به واکاوی ساختار پلیس فتا در رویکرد نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا می‌پردازد نوآوری آن را آشکار می‌سازد.

1. Vesna Stefanovska

2. Left Realism Criminology: Basis and Perspectives

3. Walter S. DeKeseredy

4. Martin D. Schwartz

5. Left Realism, A new look

6. Eric Madfis

7. Jeffrey Cohen

8. Critical Criminologies of the Present and Future: Left Realism, Left Idealism, and What's Left in Between



## ۲. چارچوب مفهومی و مبانی نظری

## ۱. ۲. رئالیسم چپ‌گرا

رئالیسم چپ‌گرا در اواسط دهه ۱۹۸۰ در انگلستان و ایالات متحده ظهور یافته است. ریشه‌های رئالیسم چپ‌گرا در نوشته‌های جک یانگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۵، ۱۹۷۹) تونی پلات<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) و یان تیلور<sup>۳</sup> (۱۹۸۱) یافت می‌شود، اما این مکتب فکری تا زمان انتشار جان لئو<sup>۴</sup> و جک یانگ رسماً بیان نشده است (Lea & Young, 1948). اندکی پس از این کار نهایی، ایوت کوری<sup>۵</sup> (۱۹۸۵) رویارویی با جرم و جنایت که به‌زعم خود، تولد رسمی رئالیسم چپ را نشانه گرفته بود، به دست آمد و هنوز هم یکی از متون مترقی و استناد شده در نوع خود است (DeKeseredy & Schwartz, 2011: 9). رئالیسم چپ‌گرا دو مؤلفه اصلی ارائه می‌دهد، کنترل جامعه مردم‌سالار توسط پلیس و پیشگیری از جرم (Lea, 2016: 53). رئالیسم چپ‌گرا نمونه‌ای از یک موضوع خاص سیاست عدالت کیفری معاصر شناخته می‌شود. سیاست عدالت کیفری مترقی باید تا حد امکان پیشرفته و ظریف باشد و شامل دو نوع ملاحظات در یک‌زمان و هم‌زمان. از یک‌سو، سیاست جرم و جنش ساختار اجتماعی است که منعکس‌کننده ملاحظات سیاسی و اقتصادی است (Jacobson & Chancer, 2010: 190). از سوی دیگر، رئالیسم چپ‌گرا برای توصیف مارکسیست‌ها، فمینیست‌ها و دیگر عناصر رادیکال که مایل به سازمان‌دهی مجدد جامعه هستند استفاده می‌شود (McLaughlin & Muncie, 2001: 93). رئالیسم چپ یکی از دستاوردهای امروزی نظریه مارکسیست می‌باشد که سرآغاز آن در حدود سال ۱۸۴۸ است. ایده‌های اصلی این نظریه این است که جرم، نتیجه کشمکش طبقاتی است. تأکید نظام سرمایه‌داری بر رقابت و ثروت، فضای اقتصادی و اجتماعی را پدید می‌آورد که در آن ارتکاب جرم گریزناپذیر است.

## ۲. ۲. پلیس فتا

پلیس فتا، به عنوان زیر مجموعه‌ای از سازمان پلیس در ایران می‌باشد. در اساسنامه تشکیل پلیس فتا این‌گونه آمده است که هدف از تشکیل پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات می‌توان تأمین امنیت فضای مجازی، صیانت از هویت دینی، ملی و ارزش‌های انسانی در جامعه، حفظ حریم خصوصی و آزادی مشروع، صیانت از منافع، اسرار و اقتدار ملی در فضای تولید و تبادل اطلاعات، ممانعت از تعرض به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، حفظ زیرساخت‌های حیاتی کشور در مقابل حملات الکترونیک، اعتماد و آسودگی خاطر آحاد شهروندان جامعه برای انجام تمامی امور قانونی از جمله فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌منظور صیانت از حاکمیت و اقتدار ملی دانست (آخوندی، ۱۳۸۰: ۵۳). پلیس فتا با استفاده از نیروهای متخصص و آگاه به فناوری نوین الکترونیک اقداماتی جدی در جهت رفع آسیب‌های سایبری و جرایم فضای مجازی انجام داده است که موجب تأمین سلامت و امنیت در فضای مجازی شده است.

## ۲. ۳. فضای مجازی

فضای مجازی یک دنیای جدید، یک دنیای موازی است که با خطوط ارتباطی و رایانه‌های جهان خلق و نگهداری می‌شود. دنیایی که در آن تردد جهانی دانش، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها، سرگرمی‌ها و عاملیت دیگری انسانی شکل می‌گیرد (بل، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۲). فضای مجازی به عنوان مجموعه تعامل‌های انسان‌ها از طریق رایانه و فن‌آوری‌های نوین ارتباطات، بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، توسط ویلیام گیبسون نویسنده داستان علمی تخیلی در کتاب نورومونسر<sup>۶</sup> در سال ۱۹۸۴ به کار برده شد. وی فضای مجازی را بازنمایی گرافیکی داده‌ها از نظام‌های رایانه‌ای می‌داند. مفهومی که مورد نظر گیبسون بود، شاید به‌نوعی به هوش مصنوعی و رباتیک نزدیک‌تر است تا آنچه اکنون به نام فضای مجازی شناخته می‌شود (Brier, 2011:14). فضای مجازی یکی از با نفوذترین فناوری‌های جدید ارتباطی

1. Jack Young

2. Tony Plott

3. Ian Taylor

4. John Leo

5. Elliott Curry

6. William Gibson

7. Neuromoncer

است که همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر عظمت و نفوذ خود قرار داده و همه ابعاد حیات فردی و جمعی ما به‌نوعی متأثر از این فضا شده است.

### ۳. نقش و جایگاه پلیس در رئالیسم چپ‌گرا

به همان اندازه که جرم‌شناسان مارکسیستی نظریه «شورش اولیه» در مورد رفتار مجرمانه و دیدگاه «ابزار انگار» از عدالت کیفری را رد نمودند، تلاش کرده‌اند تا رهیافت واقع‌بینانه‌تری را در مورد مسائل جرم و واکنش‌های ممکن عدالت کیفری اتخاذ کنند. این جرم‌شناسان که دیدگاهشان «رئالیسم چپ‌گرا» نامیده می‌شود، اذعان می‌کنند که جرم، مشکلات جدی را برای شهروندان طبقه کارگر به وجود می‌آورد و این‌که کارگزاران عدالت کیفری می‌توانند نسبت به آن مشکلات واکنش نشان دهند، حتی اگر نظام اقتصادی سرمایه‌دار ساقط نشده باشد. این جرم‌شناسان انواعی از پیشنهادهای راهبردی را مطرح می‌کنند که با پیشنهادهای جرم‌شناسان میانه‌رو تفاوتی ندارند اگرچه با پیشنهادهای جرم‌شناسان لیبرال متفاوت است (ولد، برنارد و اسنپس، ۱۳۹۴: ۳۴۶). همانند سیاستگری بهتر (Kinsey, Lea & Young, 1986: 80). در مورد تعقیب مجرمان یقه‌سفید (Friedrichs, 1995: 4). اصلاح زندان‌ها، سامان بخشیدن مخالفت با جرم‌انگاری به وضع روسپی‌گری خیابانی (Lowman, 1992: 2). توجه به بهداشت همگانی و نیازهای آموزشی شهرها برای بررسی مسائل مربوط به مواد مخدر (Lowman & D. MacLean, 1992: 89-88). رئالیست‌های چپ هم‌چنان به ارائه روش‌های مترقی برای مطالعه و حل انواع مختلف جنایت در خیابان‌ها و در روابط صمیمی ادامه می‌دهند. (DeKeseredy & Schwartz, 2013: 273). نیروهای پلیس به‌شدت در برخورد با جرایم درون‌شهری (مرکز شهر) ناکارآمد هستند و هم به‌گونه‌ای فراگیر و شایع به‌طور خصومت‌آمیز و تبعیض‌آمیز با ساکنان مرکز شهر (به‌ویژه جوانان و اقلیت‌های قومی) برخورد می‌کنند. بخش عمده‌ای از این دیدگاه با دیدگاه رادیکال سنتی در مورد دشمنی فراگیر میان پلیس و طبقه کارگر، تفاوت دارد. برخلاف مارکسیست‌های سنتی که به نیروی پلیس به‌عنوان ابزار طبقه حاکم و به‌عنوان عاملی برای تداوم وضع موجود می‌نگریستند، رئالیسم چپ‌گرا برخی نقش‌های مثبت متحمل را برای نیروی پلیس در نظر می‌گیرد. اگر نیروی پلیس فقط کمی کارآمدتر بود، امکان داشت بسیار بهتر و مفیدتر باشد.

کنترل کارآمد، مستلزم تمرکز نیروی پلیس بر آن جرایمی است که افکار عمومی و عامه مردم آن‌ها را جدی‌ترین جرایم می‌دانند و به معنای این است که نیروی پلیس بیگانگی عامه مردم را نسبت به راهبردهای مداخله‌جویانه و سرکوبگر از بین ببرد و نیز از طریق انتخاب مقام‌های پلیس، تحت کنترل دمکراتیک (مردمی) محلی درآید. این آخرین استدلال عنوان می‌کند که می‌توان جرم را تا حدودی در جوامع کارگری کنترل کرد. این مهم باید از طریق مشارکت و همکاری فعالانه نیروی پلیس و مردم صورت می‌گیرد. این دیدگاه با گرایش عمومی جرم‌شناسی مارکسیستی تفاوت دارد؛ زیرا که این نظریه تأکید اصلی را بر روی احتمال انجام اصلاحات در درون نظام‌های سرمایه‌داری قرار می‌دهد که در درازمدت باعث سودرسانی به طبقه کارگر خواهد شد، هم‌چنین این‌گونه ادعا می‌کند که اصلاح نیروی پلیس نیز امکان دارد (هینس و وایت، ۱۳۸۹: ۲۴۰-۲۳۹). جوامع کارگری درون‌شهری به‌صورت عمیقی در مورد جرایم محلی دغدغه خاطر دارند و خواستار سیاست‌های مؤثرتری برای کنترل آن‌ها می‌باشند و به نیروی پلیس به‌عنوان عامل مرکزی و نیروی اساسی در کنترل جرایم نگاه می‌کنند. این مسأله برای دیدگاه رئالیسم چپ‌گرا، بسیاری حیاتی و اساسی می‌باشد. رئالیسم چپ‌گرا عقاید و نظریات اعضای طبقه کارگر را به‌عنوان یک عامل ارزشمند مورد بررسی قرار می‌دهد و بار دیگر این‌گونه عنوان می‌کند که این خود اجتماعات هستند که نیروی پلیس و به‌تبع آن واکنش‌های نیروی پلیس را به‌عنوان عامل اساسی که در برابر کنترل جرایم در مناطق جنوب شهری واکنش نشان می‌دهد، در نظر می‌آورند. رئالیست‌های چپ‌گرا این‌گونه عنوان می‌کنند که اگر رادیکال‌ها این قصد را دارند که هرگونه اعتباری را برای تلاش و کمک به این جوامع ادعا نکنند، می‌بایستی به این احساسات و عواطف گوش داده و بر طبق آن عمل نکنند. اگر از دید جوامع محلی

۱. برای نمونه، پلت (Platt) می‌گوید: به‌طورکلی، چپ جدید یا تحت عنوان ابداع اف. بی. آی برای منحرف کردن اذهان از جرم‌های شخصیت‌های حقوقی، بر روی جرم خیابانی سرپوش می‌گذارد. یا این‌که تحت عنوان شکلی از شورش سیاسی اولیه، آن را بزرگ جلوه می‌دهد. ولی همان‌گونه که هم به‌واسطه تجربه و هم از طریق شناخت به‌خوبی می‌دانیم، جرم خیابانی یک داستان نیست، بلکه یک معضل بسیار واقعی و جدی، به‌ویژه در بخش‌های بیش‌ازاندازه استثمارشده طبقه کارگر است.

نیروی پلیس می‌تواند، حتی به صورت بالقوه، سودمند باشد، در این صورت وظیفه جرم‌شناسی، کمک به پاسخ‌گوتر شدن پلیس در برابر نیازهای این جوامع و نه مخالفت با وجود نیروی پلیس خواهد بود.

### ۳. ۱. عوامل ارتکاب جرم در رئالیسم چپ‌گرا

همان‌گونه که توسط نظریه‌پردازان رئالیسم چپ‌گرا تلقی می‌شد علل به وجود آورنده جرایم، همه شرایط موجود در مناطق درون شهری که محل سکونت طبقه کارگر، نظیر نبود امکانات و کمبود شغل و واکنش‌های صورت گرفته به وسیله نهادهای نظام عدالت کیفری، به‌ویژه نیروی پلیس که مسائل و مشکلات مربوط به جرایم را با واکنش‌های خشونت‌آمیزی که نسبت به جرایم نشان می‌دادند وخیم‌تر می‌کردند را شامل می‌شد. از دید نظریه رئالیسم چپ‌گرا علل به وجود آورنده جرایم، از ترکیب این سه جنبه باهم ناشی می‌شود، محرومیت نسبی افرادی که در مناطق کارگری زندگی می‌کردند که باعث می‌شد عملکردهای ضد فرهنگی رخ بدهد، فقدان دسترسی به عرصه‌های سیاسی که باعث به وجود آمدن احساس ضعف و بی‌قدرتی می‌شد و نیز مخالفت کردن و در نتیجه آن واکنش‌های پلیس که باعث خصومت اهالی آن مناطق شده و باعث ایجاد اختلالات و ناکامی‌های بعدی در این جوامع می‌شد. نظریه‌پردازان رئالیسم چپ‌گرا بر این عقیده هستند که میزان جرم، بالاتر از آمار و ارقام ارائه‌شده توسط ارگان‌های رسمی می‌باشد و هم‌چنین در مناطقی که نواقص و اختلالات اجتماعی زیادی در آن‌ها وجود دارد، در حال افزایش می‌باشد (Young, 1971: 28). مشکلات ناشی از روایت یانگ در واقع تجسم چالش‌هایی است که جرم‌شناسان انتقادی با آن روبه‌رو هستند، زیرا تلاش می‌کنند تا نگرانی‌های انضباطی، مفاهیم و روش‌شناسی تثبیت‌شده‌ای را با دیدگاه‌های جدیدتر در تحلیل اجتماعی ادغام کنند و با تأثیر فرآیندهای تغییرات اجتماعی بر اثر جرم و جنایت تأثیر بگذارند (Yar & Penna, 2004: 533). باید دید نظریه رئالیسم چپ‌گرا چه راه حل‌ها و واکنش‌های مناسب و مؤثری را برای این‌گونه مسائل و مشکلات می‌تواند ارائه بکند؟ پاسخ اولیه به مقوله پلیس و حفظ نظم آمربوط می‌شود. وجود یک نیروی پلیس پاسخ‌گو به نیازهای جوامع محلی، می‌تواند جرم را کنترل کند (Kinsey, Lea & Young, 1986: 88). هم‌چنین کنترل پلیس باید در دست جامعه محلی باشد، پلیس باید در برابر شورای محلی شهر و نه در برابر یک سازمان اداری ناآشنا در سطح ایالتی و یا ملی، پاسخ‌گو باشد. جوامع محلی به پاسخ‌های سیاسی مؤثر به نگرانی‌هایشان نیاز دارند که می‌تواند از طریق دادن نقشی بیشتر به شورای محلی در کنترل سازمان‌های عدالت کیفری، فراهم گردد. تحقیقات و نوشته‌های جدیدتری که در جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا صورت گرفته است به این موضوع پرداخته است که زمانی که یک بزه‌کار دستگیر می‌شود، چه کاری انجام دهیم. با این حال، در مقولاتی نظیر کیفرشناسی (مطالعه و بررسی نحوه اصلاح و تأدیب)، نظریه رئالیسم چپ‌گرا به مقدار زیادی از تجزیه و تحلیل لیبرال که بر نیاز به بازپروری‌های محلی تأکید می‌کرد، اقتباس نموده است. به‌واسطه تقلیل میزان انزوا و دوری افراد جامعه از نظام عدالت کیفری، ممانعت و پیشگیری از جرم به دست خواهد آمد، با این حال این مهم به دست نخواهد آمد، مگر به کمک خود نهادها و مؤسسات محلی که تعیین کرده و مشخص بکنند، در این مناطق و محله‌هایی که درصد جرایم بسیار بالا است، چه چیزهایی دارای اولویت لازم می‌باشد. آنچه مورد نیاز می‌باشد، سیاست‌گذاری‌های است که میزان بیگانگی و انزوای افراد جامعه را از نظام عدالت کیفری کاهش بدهد. این‌گونه سیاست‌گذاری‌ها به اجتماعات و افراد محلی این قدرت و موقعیت را خواهد داد که بتوانند به‌طور جدی و فعالانه در مورد چگونگی برخورد نیروی پلیس به‌خصوص با افراد مناطق محلی، اظهار نظر بکنند. از همین رو، جوامع محلی باید بتوانند در مورد این مطلب که چه مسائلی نیازمند برخورد پلیس هستند، تصمیم بگیرند و سپس باید برای حل این مسائل، با نیروی پلیس همکاری کنند. نظام عدالت کیفری در سایه سیاست‌ها و برنامه‌های رئالیسم چپ‌گرا باعث ایجاد مشارکت فعالانه بین اعضای جامعه و نیروی پلیس خواهد شد. نظام قانونی به‌جای این‌که به سمت سیاست‌گذاری‌های گسترده و اکثراً تعصب‌آمیز حرکت کند، به سوی اجتماعات محلی گرایش پیدا خواهد کرد.

1. Dissent

2. Police and Policing

3. Community Based Corrections

### ۲.۳. پیشگیری از جرم در رئالیسم چپ‌گرا

پیشگیری از جرم، موضوع جرم‌شناسی قرار می‌گیرد و جرم‌شناسان با توجه به داده‌هایی که از طریق سایر علوم مرتبط به دست می‌آورند، به بررسی فرآیند پیشگیری از جرم و تجزیه و تحلیل آن می‌پردازند، فلذا بدون یافته‌های علوم دیگر، جرم‌شناسی در نیل به اهداف خود موفق نخواهد بود (خلفی، ۱۳۹۴: ۲۵). موریس کوسن، جرم‌شناس کانادایی، پیشگیری را چنین تعریف می‌کند: مجموعه اقدام‌ها و تدابیر غیر قهرآمیز که با هدف خاص مهار بزهکاری، کاهش احتمال جرم و کاهش وخامت جرم، پیرامون علل جرایم اتخاذ می‌شود (Cuusson, 2004: 28). در نتیجه پیشگیری از جرم مجموعه اقداماتی است که هدف نهایی آن، منحصرأ یا به صورت جزئی، محدود کردن دامنه ارتکاب جرم و غیرممکن کردن، مشکل کردن یا کم کردن احتمال وقوع جرم است (ذوالفقاری و فعال، ۱۳۹۴: ۲۱). نظریه‌های مربوط به تحلیل جرم، سال‌ها بخش مهمی از ادبیات جرم‌شناسی بوده است. نظریه‌های بسیاری به مساله جرم در سطوح مختلفی از ابعاد زیستی و روانی تا علل اجتماعی، اشاره نموده است. هدف بیشتر این نظریه‌ها، توضیح این است که چرا جرم اتفاق می‌افتد. بررسی چرایی جرم، جرم‌شناسی را ایجاد نموده است که غالباً با مطالعه مجرم و پیرامونش، علل بزهکاری را مشخص می‌نماید. در جرم‌شناسی، علل زیستی، روانی و جامعه‌شناسانه مؤثر در وقوع جرم مورد بررسی قرار می‌گیرند. این موارد، معیار مهمی از توسعه درک جامع نسبت به جرم‌شناسی نیز بوده است. درواقع، توضیحات نظری در زمینه تحلیل جرم به دلایل بسیار، امری مهم است. نه تنها این امر، به جامعه کمک می‌کند تا بفهمد جرم چرا و چگونه اتفاق می‌افتد، بلکه می‌تواند در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه آینده نیز مفید باشد (احدی و تیموری، ۱۳۹۸: ۲). پژوهش‌های محلی در مورد قربانیان جرم، ابزار اصلی تحلیل رئالیست‌های چپ‌گرا به شمار می‌رود. از آنجا که تأکید اصلی این نظریه طرح دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های اهالی مناطق درون شهری می‌باشد، لذا تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در مورد جرایم ارتکاب یافته در مناطق محلی بود و به همین شکل نیز در تحقیقات انجام‌شده در مورد جرم عنوان شده بود. به‌خصوص این دیدگاه به دلیل تمرکز بر جرم درون طبقه‌ای، یعنی رفتار مجرمانه طبقه کارگر بر ضد طبقه کارگر مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳.۳. نظریه مربع جرم در رئالیسم چپ‌گرا

نظریه رئالیسم چپ‌گرا به فراسوی تأکید و تمرکز صرف نسبت به مجرمان توجه نشان داده است و در مقابل شیوه‌ای که آنان «مربع جرم» می‌نامند، تأکید کرده است. همان‌گونه که مطرح شد، مربع جرم شامل دو مقوله می‌شود. اولین مقوله به کنترل اجتماعی می‌پردازد و از نیروی پلیس و دیگر نهادهای کنترل اجتماعی از یک‌سو و عموم مردم از سوی دیگر تشکیل شده است. دومین مقوله به رفتار مجرمانه می‌پردازد و از بزهکاران و بزه دیدگان تشکیل شده است. هدف و روند کلی رئالیسم چپ‌گرا این است که به تمامی بخش‌های این مربع جرم، به همان صورتی که تمامی جنبه‌ها نیاز دارند که مورد تحقیق قرار گرفته و در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار بگیرند، اشاره بکند. از آن جایی که رابطه متقابل موجود بین هر کدام از این عناصر برای درک جرم و کنترل آن بسیار حیاتی می‌باشد، لذا هر بخش را نباید به صورت یک هویت جداگانه در نظر گرفت. بنا بر نظریه رئالیست‌های چپ‌گرا میزان جرایم محصول چهار جنبه از این مربع جرم می‌باشد (هینس و وایت، ۱۳۸۹: ۲۴۴). هر آنچه رئالیست‌های چپ‌گرا در مورد طرح «مربع جرم» استدلال می‌کنند، این است که برای برخورد با جرم به شیوه‌های فراگیر باید هر چهار جنبه پلیس، مردم، بزه دیده و بزهکار در نظر گرفته شوند. همان‌گونه که رئالیست‌های چپ‌گرا عنوان می‌کنند لازم است که خود دولت و مشکلاتی که در مورد تعریف جرم در درون نظام سیاسی وجود دارد به آن ورود تجزیه و تحلیل قرار بگیرد و هم‌چنین باید واقعیت جرم و مجرم را به‌صورت واقع‌بینانه‌ای مورد بررسی قرار دهیم، منظور مقوله بزه دیده است. این به معنای تحقیق و بررسی برای پیدا کردن واکنش‌های مناسب و کاملی است که می‌تواند به احتیاجات و نیازهای بزه‌دیدگان پاسخ بدهد و نیز برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی است که هم خلافکاری را قبل از این که اتفاق بیفتد (پیشگیری از ارتکاب جرم) کاهش داده و هم به‌خوبی و به‌صورت مؤثری هنگامی که جرم اتفاق می‌افتد واکنش نشان می‌دهند. این امر نشان‌دهنده اهمیت استفاده پلیس از نظریه رئالیسم چپ‌گرا و نظریه مربع جرم در امر پیشگیری از بزهکاری می‌باشد.



#### ۴. نقش و جایگاه پلیس فتا در رئالیسم چپ‌گرا

هدف اصلی رئالیسم چپ‌گرا وفاداری به واقعیت جرم است، به این واقعیت که همه جرایم از ضرورت باید شامل قوانین و متخلفان قانون یعنی رفتار و واکنش مجرمانه علیه آن و بزه‌کاران و بزه دیده‌گان شوند. مشکل جرم‌شناسی قبلی، مطابق واقع‌گرایی این است که جزئی است. این‌گرایش تمرکز داشته است که فقط روی بخشی از فرایند جرم متمرکز باشد و همه آن را شامل نشود. محوریت قربانی یا متخلف، واکنش اجتماعی به جرم یا خود رفتار مجرمانه، رئالیسم قصد دارد تا همه جنبه‌های فرآیند را گرد هم آورد. از این‌رو، اساسی‌ترین اصول واقع‌گرایی این است که جرم‌شناسی باید به ماهیت جرم وفادار باشد؛ یعنی باید به شکل جرم، بافت اجتماعی جرم، مسیر آن در طی زمان و تصدیق آن در فضا اذعان داشت. فرم جرم شامل یک قربانی و یک متخلف است. اقدام‌ها و واکنش‌های جرم و کنترل آن این چهار عنصر تعریف جرم را به ما می‌دهد، یک بزه دیده، یک بزه‌کار، کنترل رسمی و کنترل غیررسمی. از این‌رو، رئالیسم به بخشی از جنایات اشاره می‌کند که شامل تعامل بین پلیس و سایر سازمان‌های کنترل اجتماعی، مردم، بزه‌کار و بزه دیده است. میزان جرم و جنایات صرفاً از طریق درهم‌آمیختگی این چهار عامل ایجاد نمی‌شود، بلکه به‌عنوان روابط اجتماعی بین هر نقطه در میدان شکل می‌گیرد. این رابطه بین پلیس و مردم است که اثربخشی پلیس، رابطه بزه دیده و بزه‌کار را تعیین می‌کند که تأثیر جرم، روابط بین دولت و متخلف را تعیین می‌کند که عامل اصلی تکرار جرم در آن است. این مردم هستند که اقتصاد غیررسمی را ایجاد می‌کنند و دزدی را حفظ می‌کنند، یا پلیس که از طریق غیرقانونی بودن یک جو اخلاقی را ایجاد می‌کند که بزه‌کاران را به جرم و جنایت سوق می‌دهد. سرانجام، رابطه بین چهار نقطه مربع (بزه‌کار، بزه دیده، پلیس و مردم) با انواع مختلف جرم متفاوت است (Lea, 1992: 25). در یک چشم‌انداز واقع‌گرایانه که همزمان با تولید واقع‌گرایی، هم خواسته‌های تاریخی و هم خواسته‌های کنونی را در نظر می‌گیرد. این رویکرد رئالیسم را برای پیشگیری از جرم چارچوب می‌دهد (Amaral Machado & Souza Cordeiro, 2021: 21). لذا در ادامه ضمن بررسی رویکرد جرم‌شناختی تشکیل پلیس فتا به نقش پلیس فتا در پیشگیری از جرم و جایگاه پلیس فتا در در نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا می‌پردازیم.

#### ۴.۱. رویکرد جرم‌شناختی تشکیل پلیس فتا

فناوری اطلاعات با سرعت شگفت‌انگیزی، تمامی ارکان حیات بشری از جمله مقوله نظم و امنیت و آرامش عمومی را دست‌خوش تحولات و دگرگونی‌های اساسی قرار داده است. هم‌زمان با ظهور رایانه و اینترنت و فرآیند جهانی شدن در عصر حاضر، فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان ظهور جامعه شبکه‌ای<sup>۱</sup> را فراهم آورده است که تعاریف جدیدی از هویت‌ها و جوامع انسانی عرضه می‌کند و بافت اصلی آن را، اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد. در نتیجه پیدایش این جامعه شبکه‌ای، مراودات اجتماعی از شکل سنتی خود به‌صورت جوامع مجازی<sup>۲</sup> معاشرت‌های دیجیتالی از طریق متون الکترونیک و سیستم‌های چندرسانه‌ای، تغییر ماهیت داده‌اند که این امر باعث پیدایش نوعی ناامنی اجتماعی و ظهور جرایم و بزه‌کاری نوین در فضای مجازی شده است (احمدوند و عطایی جعفری، ۱۳۸۳: ۵). از سوی دیگر رشد قارچ‌گونه‌ی جرایم در حوزه‌ی فناوری تولید و تبادل اطلاعات کشور ایجاب می‌کند که پلیس تخصصی که توان پی‌جویی، پیشگیری و رسیدگی به جرایم سطح بالای فناوری را داشته باشد به وجود آید (مسعودیان، ۱۳۹۱: ۱۱۷). بر همین مبنا و با توجه به تصویب قانون جرایم رایانه‌ای در مجلس شورای اسلامی و لزوم تعیین ضابط قضایی برای این قانون و نیز مصوبات دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تشکیل پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات، در بهمن‌ماه ۱۳۸۹ به دستور فرمانده محترم نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، پلیس فتا تشکیل گردید (اسراری و مشیر احمدی، ۱۳۹۴: ۱۳). فضای مجازی با ویژگی‌های خاص آن از جمله ارتباط سریع و آسان بین افراد و دسترسی به‌عنوان منبع اطلاعات پیشرفت‌های بزرگ در روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر افراد گردیده است. همانند دنیای فیزیکی و مادی، در این فضا نیز افرادی یافت می‌شوند که بانگیزه‌ها و اهداف خاص سعی در بر هم زدن نظم این اجتماع مجازی دارند (سردار و یوسفیان، ۱۳۹۶: ۸۱). فضای مجازی، دنیای وسیع و پیچیده‌ای است که گروه‌ها و

افراد مختلف با گرایش‌ها، باورها و اعتقادات گوناگون در آن زندگی می‌کنند. از خصوصیات بارز این فضا بی‌مکانی و بی‌زمانی است. از بین رفتن فاصله مکانی و افزایش بی‌سابقه توان انسان‌ها برای مبادله و مراوده با یکدیگر، فرآیند هویت‌یابی جمعی افراد را دگرگون ساخته است (داوودی دهاقانی، شمسایی و بارانی، ۱۳۹۷: ۶۶). درعین حال نیز توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش کاربران اینترنتی و همچنین توسعه خدمات الکترونیکی همچون بانکداری الکترونیک، تجارت الکترونیک و آموزش‌های الکترونیکی از جمله دلایلی است که تشکیل نیروی پلیس فتا در مجموعه نیروی انتظامی را ورای تأمین امنیت و مقابله با جرایمی که در فضای مجازی به وقوع می‌پیوندد ضروری می‌نماید، بنابراین، با توجه به گسترش جرایم رایانه‌ای، انجام تدابیر امنیتی و آموزشی و پیشگیری نسبت به خطرات و تهدیدهای فضای مجازی توسط پلیس فتا اجتناب‌ناپذیر می‌باشد که به دلیل گستردگی فضای مجازی در جوامع امروزی و نیز برخورداری این پدیده از ویژگی سیال بودن، لازم است که همگام با رشد و تکامل محتوایی فضای مجازی، در ابعاد مختلف، تأثیرهای آن‌ها به‌ویژه از لحاظ جرم‌شناسی و اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

#### ۲.۴. نقش پلیس فتا در پیشگیری از جرم

در خصوص دلایل ارتکاب جرایم در جامعه و به وجود آمدن ریشه جرم در زندگی انسان‌ها در راستای پیشگیری از جرم باید به این نکته توجه داشت از آنجایی که قوانین جزایی هر کشور آینه تمام نمای ارزش‌های حاکم بر آن جامعه هست و تحولاتی که در قوانین جزایی صورت می‌پذیرد، زاییده دگرگونی‌های جامعه و تغییر ارزش‌ها یا تحول در نگرش‌ها است (پور قهرمانی و تیموری، ۱۳۹۹: ۶۱). عمل مجرمانه ممکن است مربوط به مسائل سیاسی، حقوقی، نیروی انتظامی، پزشکی، روانی یا جامعه‌شناسی باشد. انحراف و جرایم کیفری را باید در تمامی این حوزه‌ها تحلیل کرد و دقیقاً در اینجاست که جرم‌شناسی را باید مورد توجه قرار داد (Mustafaraj, 2017: 77). لذا وقوع جرم از گذشته و با اجتماعی شدن افراد وجود داشته، در کنار آن پیشگیری از جرم نیز برای کاهش جرایم احتمالی پدیدار گشته است و در هر مکتب و منطقی این امر پذیرفته است که همواره پیشگیری، بهتر از درمان است، پلیس به‌عنوان یکی از نهادهای مسئول برقراری امنیت و مقابله با جرایم در جامعه، از زمان تأسیس تاکنون با اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه به این امر، اهتمام ورزیده است. پیشرفت‌های امروز فناوری و به‌تبع آن مکانیزه شدن حیات بشر قرن حاضر که همگی برآورد اندیشه آدمی است شاید نتوانسته باشد رفاه را برای وی فراهم آورد، اما به‌موازات این پیشرفت‌ها، حوادث نیز روزبه‌روز افزایش یافته و شکل‌های تازه‌ای به خود گرفته است، لذا ضرورت اهتمام ورزیدن به امر پیشگیری از جمله عواملی است که در جهت کاهش مخاطرات، مفید واقع می‌شود. بنابراین به‌کارگیری سیاست پیشگیری مدبرانه در فضای مجازی بسیار ضروری‌تر و قابل لمس‌تر از پیشگیری از جرایم در فضای حقیقی است (متقی، شاه‌محمدی و نیک‌نفس، ۱۳۹۵: ۱۲). زیرا فرآیند روبه‌رو رشد این جرایم را می‌توان عامل ایجاد آسیب به امنیت اجتماعی و تحت‌الشعاع قرار دادن امنیت اخلاقی دانست. از این‌رو، پیشگیری از جرم به‌منزله بنیادی‌ترین راه کنترل جرم به دو دلیل بستگی دارد؛ اول، این‌که پیشگیری از جرم بهتر از تدابیر واکنشی، نظم و آسایش فردی و اجتماعی را تأمین می‌کند. دوم، تکرار جرم و تداوم ظاهری دوری ناپذیری وقوع آن به‌ویژه اگر دارای روند رو به رشد باشد باعث ناامیدی و در نتیجه کاهش آستانه تحمیل دستگاه‌های عمومی پاسخ‌دهنده به پدیده مجرمانه از جمله پلیس و دستگاه قضایی می‌شود. از این‌رو، افزایش میزان کیفیت‌ها، اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه و اعمال خشونت و فشار را در پی خواهد داشت (گسن، ۱۳۸۰: ۴۶). با توجه به اهمیت روزافزون سیاست پیشگیری از جرم و تأثیر آن در کنترل نرخ جرم، در سال‌های اخیر، کشورها به بسط قانونی و اجرایی این سیاست در درون دستگاه قضایی و انتظامی روی آورده‌اند. با وجود این، برای رسیدن به تأثیرات ثمربخش برنامه‌های پیشگیرانه باید گام‌های بسیار مهمی برداشته شود و سرمایه اجتماعی دستگاه‌های متولی عدالت کیفری تقویت گردد و مشارکت فعال‌تری با نهادهای مدنی ایجاد شود. از آنجاکه پلیس باید همواره جلوتر از زمان، حرکت کند و آمادگی‌های لازم را برای رویارویی با ناامنی‌های احتمالی آینده را داشته باشد، از این‌رو با توجه به این نقش حساس، می‌توان پلیس را مهم‌ترین عامل پیشگیری از جرم به‌شمار آورد. تعامل و همکاری مؤثر میان پلیس و سازمان‌های مختلف می‌تواند در جهت نیل به اجرایی ساختن فرآیند پیشگیری از جرایم سایبری کمک کند. مع‌الوصف، وجود پلیس در جامعه هم پیش‌رویدادی است هم پس‌رویدادی؛ به‌نحوی که صرف احساس این موضوع که در فضای مجازی، پلیس تخصصی به نام پلیس فتا وجود دارد که باعث می‌شود هزینه ارتکاب جرم برای مجرمان بیشتر و عملاً جذابیت و تمایل ارتکاب جرم و انگیزه ارتکاب جرم کاهش یابد (ذبیح‌الله نژاد، ۱۳۹۶: ۸۴-۸۵). با توجه به این موضوع که در رویکرد نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا سه عامل اصلی جرم و جنایت محرومیت نسبی، حاشیه‌نشینی و خرده فرهنگ‌ها در نظر گرفته

می‌شوند. از سویی نیز، به وجود آمدن خرده‌فرهنگ‌ها در فضای مجازی باعث ایجاد فاصله طبقاتی در فضای مجازی و احساس محرومیت نسبی در افراد می‌شود در ارتکاب جرایم نقش دارد. لذا برای برون رفت از این آسیب‌ها با در نظر گرفتن اهداف تشکیل پلیس فتا که از جمله آن‌ها صیانت از هویت دینی، ملی و ارزش‌های انسانی در جامعه، حفظ حریم خصوصی و آزادی مشروع، ممانعت از تعرض به ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، اعتماد و آسودگی خاطر آحاد شهروندان جامعه برای انجام تمامی امور قانونی از جمله فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌منظور صیانت از حاکمیت و اقتدار ملی دانسته شده است که به‌طور کلی می‌توان گفت که صیانت از فضای مجازی بر عهده پلیس فتا می‌باشد. تا با بهره‌گیری از عملکرد ضابطی و ساختار مناسب حمایتی و پیشگیرانه از تأثیر خرده فرهنگ‌ها بر هویت دینی و ملی و حفظ ارزش‌های انسانی و هنجارهای جامعه در فضای مجازی از ایجاد محرومیت نسبی جلوگیری و با رصد فعالیت‌های قانونی اقتصادی از ایجاد فاصله طبقاتی پیشگیری کند.

### ۳.۴. جایگاه پلیس فتا در رئالیسم چپ‌گرا

در راستای بررسی جایگاه پلیس فتا در نظریه رئالیسم چپ‌گرا باید خاطر نشان ساخت که علل جرم یکی از مواردی است که جرم‌شناسی را به وجود آورده و افکار عمومی را سردرگم کرده است. در رئالیسم چپ‌گرا هدف ورود به پیچیدگی‌های این موضوع نیست، بلکه به سه مفهوم مربوط به بحث اشاره می‌شود: محرومیت مطلق، جبرگرایی کامل و علیت مکانیکی. همه این مفاهیم برای پوزیتیویسم سوسیال دموکراتیک اساسی هستند. هیچ مدرکی مبنی بر محرومیت مطلق به‌عنوان مثال بیکاری، فقر، نبود مسکن و غیره وجود ندارد که به‌طور خودکار به جرم منجر می‌شود. جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا به محرومیت نسبی در برخی از شرایط اشاره دارد علت اصلی جرم است؛ یعنی وقتی مردم در تخصیص منابع، سطح ناعادلانه‌ای را تجربه می‌کنند و از ابزارهای فردگرایانه برای تلاش برای درست کردن این شرایط استفاده می‌کنند. این یک واکنش ناعادلانه به بی‌عدالتی است. نیازی به گفتن نیست، چنین بی‌عدالتی با تجربه، همراه با راه‌حل فردگرایانه می‌تواند در فضای مجازی نیز رخ دهد؛ مانند خود جرم، مطمئناً انحصار فقرا نیست. این تصور که برخی شرایط اجتماعی منجر به جرم می‌شود با مفهوم جبرگرایی کامل همراه است. این که بگوییم فقر در دوره حاضر جرم ایجاد می‌کند به این معنی نیست که همه افراد فقیر جنایتکار هستند. چه‌بسا، بسیاری از افراد فقیر کاملاً صادق هستند و بسیاری از افراد ثروتمند مرتکب جرم می‌شوند. بلکه می‌توان گفت که میزان جرم در برخی از جامعه در شرایط خاص بالاتر است. جرم، مانند هر نوع رفتار دیگر، در شرایط محدود کننده خاص انتخاب اخلاقی را شامل می‌شود. در هر شرایط خاص اجتناب‌ناپذیر نیست. لذا با توجه به این که ارتکاب جرایم در فضای مجازی نوعی از جرایم مانند کلاهبرداری‌های اینترنتی، جعل داده‌ها و عناوین، سرقت اطلاعات، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و گروه‌ها، هک و نفوذ به سامانه‌های رایانه‌ای و اینترنتی، هرزه‌نگاری، جرایم اخلاقی و برخی جرایم سازمان‌یافته را شامل می‌گردد که نمی‌توان علل فقر را از عوامل اصلی ارتکاب این جرایم قلمداد نمود. همچنان که با در نظر گرفتن نظریه مربع جرم برای برخورد با جرم به شیوه‌های فراگیر باید هر چهار جنبه پلیس، مردم، بزه دیده و بزه‌کار در نظر گرفته شوند. بنابراین، مربع جرم که یک ضلع آن پلیس و دولت هست و با توجه به این نقش رکتی پلیس که در این نظریه آورده شده به اهمیت پلیس فتا در برخورد با جرایم فضای مجازی آشکار است. لذا پلیس فتا در ساختار فعلی با توجه به این که کارکرد رکتی مدنظر رئالیسم چپ‌گرا را داشته باشد باید بدنه و ساختار آن اصلاحاتی داشته باشد. از همین رو، پلیس فتا می‌تواند با بهره‌گیری همه‌جانبه از چهار مقوله ذکر شده در فضای مجازی با توجه به عوامل جرم‌شناختی ارتکاب جرم و استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا و انواع پیشگیری‌ها از طریق آموزش همگانی، افزایش خطرات ارتکاب جرم، کاهش جاذبه آماج‌ها، گشت زنی در محیط سایبر و به‌کارگیری نرم‌افزارهای تخصصی اعلام‌خطر و سایر تدابیر نظارتی به پیشگیری از جرایم در فضای مجازی بپردازد.

### نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا بر مربع جرم متمرکز می‌باشد. این مربع از دو مقوله تشکیل شده است که یکی از آن‌ها با عمل مجرمانه‌ای که شامل بزه‌کار و بزه دیده می‌شود ارتباط داشته و دیگری با کنترل اجتماعی که شامل کنش اجتماعی مانند، اقدامات نیروی پلیس و «نیروهای چند سازمانی» مانند پلیس فتا و نیز واکنش‌های اجتماعی مانند واکنش عامه مردم تشکیل شده بود ارتباط دارد. از دید نظریه‌پردازان رئالیسم چپ‌گرا یک تحلیل کامل از جرم باید بر این دو مقوله تمرکز نماید. تغییر در نرخ جرم محصولی از تغییر در

تعداد بزهکاران احتمالی، تعداد بزه دیدگان احتمالی و تغییر سطح کنترل اعمال شده توسط پلیس و مردم است. بافت اجتماعی شامل تعامل فوری اجتماعی این چهار عنصر و تنظیم هر یک از آن‌ها در ساختار اجتماعی گسترده‌تر است. جنبه زمانی جرم گذشته هر یک از چهار عنصر مربع جرم و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر در آینده است. یک رویکرد واقع‌گرایانه رشد رفتارهای مجرمانه را باگذشت زمان می‌بیند؛ بنابراین ما می‌توانیم از زمینه‌های ایجاد جرم صحبت کنیم، زمینه اخلاقی تصمیم‌گیری برای رفتار مجرمانه، وضعیت ارتکاب جرم، کشف جرم، پاسخ به بزهکار و پاسخ به بزه دیده استفاده نماییم. البته با توجه به این‌که هدف اصلی رئالیسم چپ‌گرا مقابله جرم خیابانی بود. برخی منتقدین ممکن است استدلال کنند که رئالیسم چپ‌گرا از لحاظ تاریخی به جنایات خیابانی و درونی شهر توجه دارد. البته در پاسخ باید خاطر نشان ساخت که امروزه فضای مجازی و محیط سایبری جای خود را به کوچه و خیابان شهر داده است و جرایم همانند محیط فیزیکی نیز به وقوع می‌پیوندند و در اینجاست که نقش پلیس فتا کاملاً پررنگ و ملموس می‌باشد. به‌طور خلاصه، رئالیسم چپ از بدو تولد چندین مسیر تئوریک جدید را طی کرده است و احتمالاً در آینده نیز این کار را خواهد کرد و سیستم عدالت کیفری علی‌الخصوص نهاد پلیس نیز از تأثیر نظریات جرم‌شناسان بی‌تأثیر نخواهند بود. از همین رو، یافته‌ها و نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که پلیس فتا به عنوان نهاد تخصصی در پیشگیری و مبارزه با جرایم در فضای مجازی است که با توجه به رشد فناوری و به‌موازات آن، افزایش بی‌رویه جرم و الکترونیکی بودن ارتکاب آن در فضای مجازی، توانسته با بهره‌گیری از آموزه‌های جرم‌شناسی در نقش ضابط در کشف، پیشگیری و پی‌جویی از وقوع جرایم به‌عنوان حافظ نظم و امنیت در این حوزه می‌تواند نقش مؤثرتری را ایفاء نماید. همچنان‌که در رویکرد نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا سه عامل اصلی جرم و جنایت محرومیت نسبی، حاشیه‌نشینی و خرده فرهنگ‌ها هستند. لذا به وجود آمدن خرده‌فرهنگ‌ها در فضای مجازی که باعث ایجاد فاصله طبقاتی در فضای مجازی و احساس محرومیت نسبی در افراد می‌شود در ارتکاب جرایم نقش دارد لذا پلیس فتا به‌عنوان مجموعه‌ای که با عملکرد ضابطی و ساختار مناسب حمایتی و با بهره‌گیری از نظریه جرم‌شناسی رئالیسم چپ‌گرا این توانایی را دارد که سهم پیشگیرانه قابل توجهی از جرم با رفع آسیب‌های احصا شده در شکل‌گیری جرایم در فضای مجازی داشته باشد.

### پیشنهادها

در ادامه راهکارهای علمی و کاربردی در این حوزه برای اصلاح ساختار پلیس فتا در جهت پیشگیری و مبارزه با جرایم در فضای مجازی پیشنهاد می‌گردد.

۱. هم‌زمان با توسعه فناوری‌های الکترونیکی و فضای مجازی، توسعه امکانات و به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و ابزارهای تخصصی پلیس فتا در جهت کشف جرم و پیشگیری از ارتکاب جرم ضروری است.
۲. دسترسی پلیس فتا به اطلاعات مورد نیاز خود از کاربران فضای مجازی در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم و شناسایی سریع بزهکاران و به‌طور خاص صیانت از مردم در فضای مجازی ضروری است.
۳. مطابق نظریه مربع جرم که چهار جنبه پلیس، مردم، بزه دیده و بزهکار را در نظر می‌گیرد، لذا پلیس فتا می‌تواند با استفاده از همکاری سازمان‌های مردم نهاد در عرصه سیاست جنایی مشارکتی در کشف و پیشگیری از جرایم اقدام نماید.

### منابع

۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۰)، *آیین دادرسی کیفری*، چاپ نهم، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. احمدوند، علی‌محمد و عطایی جعفری، امیر مسعود (۱۳۸۳)، «نقش و راهبرد فناوری اطلاعات (IT) در سیستم پلیس و فضاهای مجازی جرایم در ایران»، *فصل‌نامه توسعه سازمانی پلیس*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۵-۲۸.



۳. احدی، فاطمه و تیموری، مهرداد (۱۳۹۸)، «راهبردهای باز اندیشیده نظریه فشار در پیشگیری از بزهکاری سایبری»، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه. صص ۱-۱۲.
۴. اسراری، مهناز و مشیر احمدی، علیرضا (۱۳۹۴)، «نقش پلیس در حفظ حریم خصوصی فضای سایبر»، نخستین همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، دانشگاه زنجان. صص ۱-۱۵.
۵. امیریان فارسانی، امین، مالمیر، محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۸)، «نقش پلیس فتا در پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم سایبری»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، دوره ۱۴، شماره ۵۰، صص ۹-۳۲.
۶. بل، دیوید (۱۳۸۹)، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه: حسین حسینی و مسعود کوثری، تهران. انتشارات جامعه‌شناسان.
۷. پورقهرمانی، بابک و تیموری، مهرداد (۱۳۹۹)، «چالش‌های فراروی نهاد سجل قضایی به عنوان ابزار کشف علمی جرایم با تکیه بر آیین‌نامه سجل قضایی مصوب ۱۳۹۸»، فصلنامه کارآگاه، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص ۵۹-۷۸.
۸. حسینی، منیره (۱۳۹۵)، نقش پلیس فتا در پیشگیری از جرایم رایانه‌ای، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۹. خلفی، ابوذر (۱۳۹۴)، «پیشگیری از جرایم سایبری با محوریت جرم‌یابی»، فصلنامه کارآگاه، دوره ۱۰، شماره ۳۴، صص ۲۳-۳۸.
۱۰. داوودی دهاقانی، ابراهیم، شمسایی، مهدی و بارانی، محمد (۱۳۹۷)، «رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی با ارتکاب جرایم خشن»، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۶۵-۹۰.
۱۱. ذبیح‌الله نژاد، وحید (۱۳۹۶)، «نقش پلیس فتا در پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری»، فصلنامه دانش انتظامی البرز، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۸۷-۱۰۶.
۱۲. ذوالفقاری، حسین و فعال، صیدال (۱۳۹۴)، «بررسی نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۶، شماره ۴۱، صص ۴۵-۲۳۰.
۱۴. سردار، سهیلا و یوسفیان، مجید (۱۳۹۶)، «تأثیر هشدارهای پلیس فتا بر میزان آگاهی کاربران فضای مجازی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۸، شماره ۵۰، صص ۷۹-۱۰۲.
۱۵. گسن، ریموند (۱۳۸۰)، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه: محمد کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات مترجم.
۱۶. متقی، حبیب‌الله، شاه‌محمدی، غلامرضا و نیک‌نفس، علی (۱۳۹۵)، «نظارت بر شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر رویکرد پیشگیری وضعی»، فصلنامه دانش انتظامی چهارمحال بختیاری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱-۱۴.
۱۷. مسعودیان، محسن (۱۳۹۱)، «نقش پلیس در پیشگیری از جرایم سایبری و تأمین امنیت در فضای مجازی (پلیس فتا)»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۰۳-۱۲۶.

۱۸. نقوی، مهدی و زارعی، محمدباقر (۱۳۹۹)، «اثربخشی اقدامات پلیس فتا در مقابله با مزاحمت‌های سایبری در بازه زمانی ۵ ساله با رویکرد فنی و اجتماعی (مورد مطالعه استان همدان)»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی پلیس، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۴۵-۵۷.

۱۹. هینس، فیونا و وایت، راب، (۱۳۸۹)، *درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی*، ترجمه: میر روح‌الله صدیق، چاپ سوم، انتشارات دادگستر.

۲۰. ولد، جرج، برنارد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۹۴)، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه: علی شجاعی، چاپ هشتم، تهران، انتشارات سمت.

۲۱. یوسفی، سهیل و افتخاری، علی (۱۳۹۷)، نقش پلیس فتا در پیشگیری از جرایم فضای مجازی، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان. صص ۱-۱۲.

22. Amaral Machado, Bruno & Souza Cordeiro, Carolina (2021), "Through Roger Matthews' eyes": Glimpses of critical and left realist British criminology, *Journal of Oñati Socio-Legal Series*, Vol 1, No 1, PP 1-24.
23. Brier, Soren (2011), *cybersemiotics and the Question of Knowledge*, Singapore: World Scientific Publishing. PP 1-34.
24. Currie, Elliott (2010), "Plain Left Realism: an appreciation, and Some Thoughts for the Future", *Journal of Crime, Law and Social Change*, Vol 54, No 1, PP 111-124.
25. Cuusson, Maurice (2004), *La criminology*, Collection Les fondamentaux, Paris: Éditeur Hachette.
26. DeKeseredy, Walter S & Schwartz, Martin D. (2018), *Left Realism, A new look*, Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice, New York: Published by Routledge.
27. DeKeseredy, Walter S & Schwartz, Martin D. (2013), "Confronting Progressive Retreatism and Minimalism: The Role of a New Left Realist Approach", *Journal of Critical Criminology*, Vol 21, No 1, PP 273-286.
28. DeKeseredy Walter S & Schwartz, Martin D. (2011), *Left realism*, *Routledge Handbook of Critical Criminology*, London: Published by Routledge.
29. Friedrichs David O, (1995), *Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society*, Boston: Wadsworth Publishing.
30. Gitlin, Todd (1996), *The Twilight of Common Dreams: Why America Is Wracked by Culture Wars*, London: Publishing Holt Paperbacks.
31. Hulsman, Louk H. C (1986), "Critical criminology and the Concept of Crime", *Journal of Contemporary Crises*, Vol 10, No 3, PP 63-80.

32. Jacobson, Michael & Chancer, Lynn (2010), "From left realism to mass incarceration: the need for pragmatic vision in criminal justice policy", *Journal of Crime, law and social change*, Vol 54, No 2. PP 170-195.
33. Kinsey, Richard, Lea, John & Young, Jock (1986), *Losing the Fight against Crime*, Oxford, New York: Publishing Basil Blackwell.
34. Lea, John (1992), *The Analysis of Crime*, in J. Young and R. Matthews (eds) *Rethinking Criminology: The Realist Debate*, London: Published by Routledge.
35. Lea, John (2016), "Left Realism: A Radical Criminology for the Current Crisis", *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, Vol 5, No 3, PP 53-65.
36. Lowman, John (1992), "Street Prostitution Control: Some Canadian Reflections on the Finsbury Park Experience", *Journal of Criminology*, Vol 32, No 1, PP 1-17.
37. Lowman, John, D. MacLean, Brian (1992), *Realist Criminology: Crime Control and Policing in the 1990s*, Published by University of Toronto Press.
38. Maclean, Brian. D (1991), "In Partial Defense of Socialist Realism", *Journal of Crime, Law and Social Change*, Vol 15, No 3, PP 213-254.
39. Madfis, Eric & Cohen, Jeffrey (2016), "Critical Criminologies of the Present and Future: Left Realism, Left Idealism, and What's Left in Between", *Journal of Social Justice*, Vol 43, No 4, PP 1-21.
40. McLaughlin, Eugene & Muncie, John (2001), *The Sage Dictionary of Criminology*, London: SAGE Publications.
41. Mustafaraj, Bledar (2017), "Perspectives of the Science of Criminology", *Journal of Social Science Education and Research*, Vol 4, No 3, PP 77-83.
42. Stefanovska, Vesna (2019), "Left Realism Criminology: Basis and Perspectives", *Knowledge International Journal*, Vol 34, No 5, PP 1365-1370.
43. Yar, Majid & Penna, Sue (2004), "Between Positivism and Post-modernity? Critical Reflections on Jock Young's The Exclusive Society", *The British Journal of Criminology*, Vol 44, No 4, PP 533-549.
44. Young, Jock (1971), *The role of the police as amplifiers of deviancy, negotiators of reality and translators of fantasy: Some Consequences of our Preent System of drug Control as Seen in Notting Hill*, in *Images of Deviance*, edited by S. Cohen, London: Publishing Penguin.